

اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه

مهناز اخوان خرازیان*

چکیده

سه هفته درگیری در نوار غزه با نقض جدی بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه همراه بود. نقض ممنوعیت مجازات دسته‌جمعی، بی‌توجهی قدرت اشغالگر به تعهداتش طبق حقوق بین‌الملل اشغال و عدم رعایت حقوق بشردوستانه در کنار عدم رعایت اصل مسئولیت کیفری فردی، مواردی است که زمینه تحقق مسئولیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی را تشدید می‌کند. درحالی‌که جامعه بین‌المللی در جریان بحران انسانی جدی در نوار غزه در انتظار واکنش نهادهای تأثیرگذار و دولت‌ها به سر می‌برد، باید اذعان داشت مراجع مذکور در کاهش وخامت اوضاع و الزام طرف‌های درگیر به رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی عملکرد ناموفقی داشتند. این در حالی است که حقوق بین‌الملل معاصر نه تنها برای اعضای جامعه بین‌المللی تکالیف و تعهداتی را در این خصوص شناسایی کرده، بلکه ابزارهایی را نیز در اختیار آنها قرار داده است. مقاله حاضر تلاش دارد به بررسی وضعیت رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط رژیم صهیونیستی در خلال سه هفته درگیری در نوار غزه و مسئولیت بین‌المللی حاصل از آن بپردازد.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، سفر سفید، سرزمین‌های اشغالی، مسئولیت کیفری فردی، اصل تناسب، اصل تفکیک، بی‌کیفری، شورای امنیت، کنوانسیون‌های ژنو

*. کارشناس ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی و کارشناس ارشد حقوق بشر mahnazkhavan74@yahoo.com

۱. مقدمه

هجدهم ژانویه ۲۰۰۹ روزنامه گاردین در یک گزارش شرح کاملی از حمله ارتش رژیم صهیونیستی به روستایی واقع در جنوب غزه را منتشر کرد. در این گزارش آمده که در خلال حمله ۱۲ ساعته به روستای خوضاعه* سربازان رژیم صهیونیستی به افرادی که پرچم سفید تکان می‌دادند، شلیک کردند و با بلدوزر خانه‌هایی را که ساکنانش هنوز موفق به ترک آن نشده بودند ویران کردند. گاردین در این گزارش اعلام کرد که اگرچه سخنگوی ارتش رژیم اشغالگر قدس مدعی شده که در خصوص این واقعه کوچک‌ترین اطلاعی ندارد، لکن گفته‌های شاهدان عینی و شواهد گردآوری شده توسط گروه حقوق بشری این رژیم، یعنی بتسلم** که با یکدیگر مطابقت دارد، وقوع چنین رویدادی را تأیید می‌کند. عکس‌هایی که توسط یک عکاس به نام برونو استیونز*** بلافاصله پس از این واقعه گرفته شده، نشان می‌دهد که نظامیان رژیم اشغالگر از بمب‌های فسفوری سفید استفاده کرده و خانه‌هایی که هدف گلوله باران قرار نگرفته بوده نیز به آتش کشیده شده‌اند.^۱

محاصره غزه که از ۱۸ ماه قبل از حمله نظامی به آن آغاز شده بود در پنجم نوامبر ۲۰۰۸ به اوج خود رسید. همه مرزهای زمینی، دریایی و هوایی غزه بسته شد و جریان سوخت به غزه قطع گردید. در ۲۷ دسامبر همان سال، رژیم صهیونیستی حملات هوایی‌اش را به غزه آغاز کرد. در عین حال، حماس نیز با پرتاب راکت شهرهای مرزی این رژیم را مورد حمله قرار داد. در سوم ژانویه ۲۰۰۹ حملات زمینی رژیم اشغالگر آغاز گشت و نیروی زمینی ارتش این رژیم وارد نوار غزه شد. در یازدهم ژانویه، رژیم صهیونیستی متهم به استفاده از بمب‌های فسفوری سفید در مناطق مسکونی شد و این در حالی بود که حملات رژیم مزبور به خانه‌های مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس و حتی اماکن تحت حمایت ملل متحد ادامه داشت.^۲

در ۸ ژانویه ۲۰۰۹ شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌ای بر ضرورت آتش‌بس فوری و پایدار که به‌طور کامل رعایت شود، تأکید کرد.^۳ با این حال، ده روز دیگر به طول انجامید تا طرفین

*. Khuza'a

** . B'Tselem

***. Bruno Stevens

۱. تخریب خانه‌های این روستا، طبق شواهد گردآوری شده توسط «بتسلم» در ساعت دو و سی دقیقه باصداغ آغاز شد. بعد از ظهر همان روز، سربازان رژیم اشغالگر به ۳۰ تن از اهالی روستا دستور دادند که خانه‌هایشان را ترک کنند و به مدرسه‌ای در مرکز روستا بروند. بعد از طی ۲۰ متر، سربازان به سوی این افراد آتش گشودند و سه نفر را کشتند. همچنین نیروهای رژیم اشغالگر به روی آمبولانس‌هایی که قصد کمک به مجروحین را داشتند نیز آتش گشودند. ۱۴ نفر در خلال این حمله کشته شدند؛ رک.

www.guardian.co.uk/world/2009/jan/18/israel-war-crimes-gaza-conflict/print , 18 Jan. 2009.

2. <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/01/200917205418665491.html> , 27 Jan. 2009.

3. S/Res/1860, 8 Jan. 2009.

درگیر اعلام آتش بس کنند. در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ بحران انسانی در نوار غزه به حدی وخیم بود که کارگزاری‌های ملل متحد و سازمان‌های بشردوستانه در سرتاسر جهان در خصوص آن هشدار دادند.^۴ مقامات رژیم صهیونیستی، از جمله خانم لیونی وزیر امور خارجه، به کرات اعلام کردند که در غزه بحران انسانی وجود ندارد و نیازی به آتش بس نیست؛^۵ لکن طبق گفته ریچارد فالک، گزارشگر ملل متحد برای سرزمین‌های اشغالی فلسطین، این بحران حتی قبل از ۲۷ دسامبر نیز وجود داشته است؛ چرا که به دلیل محاصره طولانی مدت، هشتاد درصد مردم غزه زیر خط فقر زندگی کرده و هفتاد و پنج درصد از بیکاری رنج می‌برده‌اند. ۴۵ درصد کودکان دچار کم‌خونی شدید بوده و بسته بودن مرزها و اخلال و کارشکنی رژیم اشغالگر در واردات مواد دارویی و پزشکی باعث شده بسیاری از مردم غزه که در شرایط جسمانی ناگواری به سر می‌برند، نتوانند تحت درمان قرار گیرند.^۶

در طول سه هفته درگیری ۱۳۰۰ فلسطینی کشته شدند که بیش از ۴۰۰ نفر آنها کودک بودند. نقض آشکار و وسیع بسیاری از اصول و قواعد اساسی حقوق بشردوستانه همچون اصل تفکیک، اصل تناسب، ممنوعیت حملات کورکورانه، ممنوعیت توسل به سلاح‌هایی که باعث ایراد رنج بیهوده شده یا کورکورانه عمل می‌کنند که جزء قواعد آمره حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شوند،^۷ در کنار نقض فاحش حق حیات به‌عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشری، جامعه بین‌المللی را در موقعیت خطیری قرار داده است. درحالی که در مورد وضعیت‌هایی مثل تیمور شرقی، دارفور یا حتی کوزوو حساسیت‌های سیاسی نتوانست مانع از عملکرد ساز و کارهای بین‌المللی برای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشردوستانه و اجرای عدالت شود، در خصوص بحران غزه، حساسیت‌های مذکور نه تنها ساز و کارهای فوق را تا حد زیادی بلااستفاده گذاشته،

4. "The Grave Violations of Human Rights in the Occupied Palestinian Territory, Particularly due to the Recent Israeli Military Attacks Against the Occupied Gaza Strip", A/HRC/S-9/L.1, 12 Jan. 2009; UN News Service, 9 Jan. 2009 & 6 Jan. 2009, available on: www.un.org ; http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7808825.stm, 2 Jan. 2009; www.freep.com/article/20090111/NEWS07/90111005/-1/rss07, 11 Jan. 2009.

5. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7807564.stm, 2 Jan. 2009

6. "Statement of Special Rapporteur for the Palestinian Territories Occupied Since 1967 for Presentation to the Special Session of the Human Rights Council on the Situation in the Gaza Strip", 9 Jan. 2009, available on www.unhchr.ch ,

وختامت اوضاع به حدی بود که آسوشیتد پرس گزارش داد ریاست شورای عدالت و صلح واتیکان، کاردینال رناتو مارتینو، شرایط موجود در غزه را شبیه اردوگاه‌های زمان آلمان نازی دانسته است. رک.

www.freep.com/article/20090111/NEWS07/90111005/-1/rss07 , 11 Jan. 2009

7. ICJ Reports, 1986, para. 218; ICJ Reports, 1996, para. 79, p. 257; *Prosecutor v. Delalic et al.* , Case No. IT-96-21-A, 20 Feb. 2001, para. 150; Marco Sassoli, State Responsibility for Violations of Int'l Humanitarian Law, 84 IRRC, no.846, p. 414.

بلکه بسیاری از دولت‌ها را در انجام وظایف و تعهداتی که طبق حقوق بین‌الملل در چنین شرایطی بر عهده دارند،^۸ دچار مشکل کرده است.

۲. قابلیت اعمال حقوق اشغال در سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۶۷

دولت اشغالگر براساس حقوق بشردوستانه مدرن - که مبنای آن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ است - وظایف و مسئولیت‌های متعددی بر عهده دارد. در واقع، کنوانسیون چهارم ژنو برخلاف کنوانسیون‌های لاهه، محور اصلی حقوق اشغال را نه منافع سیاسی رژیم اشغالگر، بلکه حمایت از «جمعیت غیرنظامی در دست دشمن» قرار داده، و وظایف بی‌شماری نیز برای اداره سرزمین تحت اشغال به دولت اشغالگر تحمیل می‌کند. بدین ترتیب، دولت اشغالگر دیگر نه یک نیروی ناظر، بلکه یک اداره‌کننده کامل است.^۹

اگرچه توسل به زور توسط قدرت اشغالگر مجاز است، اما شرط اصلی این توسل به زور، مقابله با تهدیدات امنیتی است که عناصری از جمعیت تحت اشغال به وجود آورده‌اند. در عین حال، این توسل به زور باید تحت شرایطی که حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد، صورت بگیرد.^{۱۰} بر این اساس، اگر رژیم صهیونیستی وضعیت خود را به‌عنوان قدرت اشغالگر بپذیرد، برای مشروعیت توسل به زور لازم است این نکته را به اثبات برساند که تهدیدات امنیتی فوق‌الذکر وجود داشته و به آستانه مورد نظر در حقوق اشغال نیز رسیده است؛ درحالی‌که گزارشگر ویژه ملل متحد در سرزمین‌های اشغالی می‌گوید قبل از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ حتی یک نفر هم در سرزمین رژیم صهیونیستی در اثر پرتاب راکت از سوی حماس کشته نشد و از ژوئن ۲۰۰۸ آتش‌بس کمابیش توسط طرفین رعایت شد.^{۱۱}

از سوی دیگر، باتوجه به اینکه ماه‌ها قبل از شروع درگیری، رژیم اشغالگر نیروهایش را از غزه خارج کرده و مدعی بود که به همین دلیل دیگر قدرت اشغالگر محسوب نمی‌شود، تعیین

8. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Yearbook of ILC, 2001, Vol. II, Part Two, Art. 40 & 41.

9. Eyal Benvenisti, The Security Council and the Law on Occupation: Resolution 1483 on Iraq in Historical Perspective, www.tau.ac.il/law/members/benvenisti/articals/amos.doc;

برای بررسی بیشتر رک. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق جنگ» (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۸۰ (چاپ دوم)، ص ۲۱۵-۲۲۰.

10. Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, Geneva, 12 August 1949, Arts 2 and 6.

11. Falk Statement in Special Session of Human Rights Council, *Supra*, para. 7 & 8;

فالك معتقد است مسئولیت همه حملات راکتی را نمی‌توان به حماس نسبت داد. شبه نظامیان مستقل در غزه حتی قبل از به قدرت رسیدن حماس هم دست به چنین عملیاتی می‌زدند و مقامات قبلی حاکم بر غزه نمی‌توانستند مانع از پرتاب راکت شوند.

وضعیت نوار غزه از حیث اشغال، حائز اهمیت است. دولت اشغالگر طبق حقوق بین‌الملل اشغال و از جمله کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، وظایفی را در خصوص تأمین امنیت و نیازهای مردم این سرزمین بر عهده دارد. درحالی‌که ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم، مجازات دسته جمعی غیرنظامیان را ممنوع کرده،^{۱۲} «تحریم‌های اقتصادی»^{۱۳} تحمیل شده بر ساکنان نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی، شکلی از مجازات دسته جمعی و بنابراین نقض حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. نکته دیگر آن که اگر رژیم صهیونیستی قدرت اشغالگر محسوب نشود حمله نظامی‌اش به نوار غزه نقض اصل ممنوعیت تجاوز (منع تجاوز) محسوب شده، از این جهت نیز این رژیم به سبب نقض فاحش یک قاعده امره دیرپای حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. لازم به ذکر است که عبارت تجاوز (نظامی) و نقض اصل تعیین سرنوشت فلسطینی‌های ساکن غزه، هم در اظهارات نمایندگان دولت‌ها در شورای امنیت و هم در قطعنامه نشست ویژه شورای حقوق بشر و نیز در سخنان کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل صراحتاً ذکر شده است.^{۱۴}

دیوان عالی رژیم اشغالگر قدس در قضیه بسیونی علیه نخست وزیر آن رژیم که مربوط به مشروعیت قطع منابع برق و سوخت غزه بود، حکمی صادر کرد که در آن به مسئله اشغال غزه نیز اشاره شده بود. قطع منابع مذکور و محدودیت‌های تجاری و مسافرتی در سپتامبر ۲۰۰۷ و در پاسخ به پیروزی حماس در انتخابات غزه و افزایش حملات انتحاری و پرتاب راکت از نوار غزه به شهرهای مرزی رژیم صهیونیستی، توسط کابینه امنیتی آن رژیم مقرر شد. گروه‌های حقوق بشری رژیم صهیونیستی و فلسطینی شکواییه‌ای را در دیوان عالی این رژیم مطرح کردند تا

12. Fourth Geneva Convention 1949, *Supra*, Art. 33.

۱۳. رژیم اشغالگر مدعی است که محاصره غزه تحریم اقتصادی است و تحریم اقتصادی از جمله اقدامات قانونی است که در مواجهه با نقض حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حق دارند به آن توسل جویند. با این حال، اتفاق نظر گسترده‌ای وجود دارد، دال بر اینکه محاصره نوار غزه توسط این رژیم، مجازات دسته‌جمعی محسوب شده، در نتیجه، نقض حقوق بین‌الملل اشغال و از جمله کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ تلقی می‌گردد؛

Falk Statement in Special Session of Human Right Council, 9 Jan. 2009, *Supra*; Security Council, SC/9565, 6067 Mtg, 7 Jan. 2009, <http://un.org/News/Press/docs/2009/sc9565.htm> ; Yuval Shany, the Law Applicable to Non-Occupied Gaza: A Comment on *Bassiouni v. Prime Minister of Israel*, http://law.huji.ac.il/upload/Shany_gazelec.doc;

لازم به ذکر است که حتی در صورت درست بودن استدلال رژیم اشغالگر، حقوق بین‌الملل امروزه آن دسته تحریم‌های اقتصادی که نیازهای جمعیت غیرنظامی یا مردم کشور هدف را در نظر نگیرد فاقد مشروعیت شناسایی می‌کند؛ رک.

Vera Gowlland- Debbas et al. (eds.), *United Nations Sanctions and International Law*, (2001); Xavier Philipow, *Sanctions for Violations of Int'l Humanitarian Law: The Problem of the Division of Competences between National Authorities and between National and Int'l Authorities*,

14. Security Council, SC/ 9565, 6061 mtg, 7 Jan. 2009, *Supra*; A/HRC/S-9/L.1, 12 Jan. 2009, paras. 7 & 14; Statement of High Commissioner for Human Rights to 9th Special Session of the Human Rights Council on the Grave Violations of Human Rights in the Occupied Palestinian Territory including the Recent Aggression of the Occupied Gaza Strip, 9 Jan. 2009, available on: www.unhchr.ch

مشروعیت سیاست جدید رژیم را به چالش بکشند. اصلی‌ترین نکته در حکم دیوان عالی رژیم مزبور این بود: آیا غزه سرزمین تحت اشغال محسوب می‌شود که در این صورت محاصره آن طبق حقوق بین‌الملل، مجازات دسته‌جمعی تلقی می‌گردد یا خیر.^{۱۵} دیوان عالی در حکمی که در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ صادر نمود، بر خاتمه اشغال تأکید کرد:

«از سپتامبر ۲۰۰۵ رژیم اشغالگر دیگر هیچ کنترل مؤثری بر وقایع نوار غزه ندارد. حکومت نظامی که در آن منطقه اعمال می‌شد با تصمیم حکومت لغو شد و سربازان این رژیم دیگر به‌طور دائم در این منطقه حضور ندارند و امور آن را نیز اداره نمی‌کنند. در چنین شرایطی، رژیم اشغالگر برای مراقبت از رفاه ساکنان و استقرار نظم عمومی در نوار غزه براساس کلیت حقوق اشغال نظامی در حقوق بین‌الملل وظیفه‌ای کلی ندارد. به‌علاوه، آن رژیم در وضعیت حاضر توان مؤثری برای اعمال نظم و مدیریت زندگی غیرنظامیان در نوار غزه ندارد. در شرایطی که پیش آمده، تکالیف اصلی دولت صهیونیستی در مورد ساکنان غزه، برخاسته از وضعیت درگیری مسلحانه‌ای است که بین آن و سازمان حماس که نوار غزه را کنترل می‌کند، وجود دارد؛ این تکالیف همچنین برخاسته از دامنه کنترل دولت صهیونیستی بر گذرگاه‌های مرزی بین خود و نوار غزه و روابطی است که بین رژیم اشغالگر و سرزمین نوار غزه بعد از سال‌های حکومت نظامی در آن منطقه ایجاد شده و در نتیجه اکنون تقریباً به‌طور کامل نوار غزه در مورد تأمین برق، مستقل از رژیم صهیونیستی است».^{۱۶}

اگرچه دیوان عالی رژیم صهیونیستی اذعان دارد که به‌دلیل کنترل رژیم صهیونیستی بر گذرگاه‌های مرزی غزه و نیز سال‌ها حضور نظامی رژیم مزبور در غزه و روابط حاصل از آن، رژیم اشغالگر قدس تکالیفی در قبال غزه و مردم آن بر عهده دارد، لکن پایان حکومت نظامی و عدم حضور سربازان آن رژیم در این منطقه را نشان‌دهنده پایان کنترل مؤثر رژیم صهیونیستی بر نوار غزه و پایان وضعیت اشغال تلقی می‌کند؛ اما رویه قضایی بین‌المللی و رویه قضایی ملی این نتیجه‌گیری را نمی‌پذیرد.

دادگاه نظامی نورمبرگ در قضیه «لیست» به این نتیجه رسید که اگرچه برخی قسمت‌های یونان و یوگسلاوی که تحت اشغال آلمان بود، در برخی مواقع عملاً در کنترل آلمان نبود، ولی آلمان در هر زمان می‌توانست بر هر بخش از این مناطق کنترل فیزیکی خود را اعمال کند. دیوان بین‌المللی یوگسلاوی نیز در قضیه «Naletilic» عنوان داشت یکی از اصول راهنما برای تشخیص قابلیت اعمال حقوق اشغال به یک سرزمین معین این است که آیا ارتش اشغالگر توان

15. Yuval Shany, *Supra*.

16. *Jaber al Bassiouni Ahmed et al. v. Prime Minister & the Minister of Defence*, Supreme Court of Israel, 27 Jan. 2008. http://elyonl.court.gov.il/Files_ENG/07/320/091/n25/07091320.n25.htm , Para. 12.

اعزام سرباز در یک مدت زمان معقول را به این سرزمین دارد یا خیر. همچنین خود دیوان عالی رژیم اشغالگر قدس در قضیه «Tsemel» می‌گوید کافی است که قابلیت اعمال کنترل مؤثر بر یک منطقه خارجی که سربازان اشغالگر در آن مستقرند، وجود داشته باشد.^{۱۷}

در قضیه بسیونی علیه نخست‌وزیر اسرائیل، دیوان تنها به بررسی اعمال کنترل مؤثر بر اساس ضابطه حضور فیزیکی نظامی اکتفا کرده، و صحبتی از «قابلیت اعمال چنین کنترلی» یا «توان اعزام سربازان در مدت زمان معقول» نمی‌کند، درحالی‌که سربازان اشغالگر هنوز در کرانه باختری رود اردن حضور دارند. با این حال، «اتفاق نظر وسیعی بین حقوقدانان وجود دارد ناظر بر اینکه تداوم کنترل مرزهای زمینی و هوایی و دریایی غزه به نحوی است که رژیم صهیونیستی را به لحاظ حقوقی همچنان در وضعیت قدرت اشغالگر قرار می‌دهد».^{۱۸} به عبارت دیگر، رژیم صهیونیستی همچنان بر عناصر مهمی از زندگی مردم در غزه اعمال کنترل مؤثر می‌کند: ثبت احوال در غزه و کرانه باختری (به‌جز نوزادانی که پدر و مادرشان هر دو ساکن سرزمین‌های اشغالی باشند، ثبت احوال و اسناد باید با اجازه آن رژیم باشد)، خروج و ورود اتباع خارجی، جابه‌جایی ساکنان نوار غزه و کرانه باختری بین این دو سرزمین، صادرات و واردات و نظام مالیاتی.^{۱۹} در کنار این موارد باید حضور سربازان رژیم اشغالگر در کرانه باختری رود اردن را نیز به‌خاطر داشت.

تا سال ۲۰۰۴ که شورای امنیت آخرین قطعنامه‌اش را در مورد غزه و کرانه غربی صادر کرد، ارکان ملل متحد از جمله شورای امنیت و مجمع عمومی در خطاب به رژیم اشغالگر از عبارت قدرت اشغالگر استفاده و تأکید کرده‌اند که این قدرت اشغالگر باید کنوانسیون چهارم ژنو را رعایت کند؛^{۲۰} ولی قطعنامه ۱۸۶۰ که در جریان درگیری سه هفته‌ای اخیر در غزه با ۱۴ رأی مثبت و یک رأی ممتنع ایالات متحده به تصویب رسید تنها در مقدمه اشاره دارد که: «نوار غزه بخشی از

17. Yuval Shany, *Supra*;

همچنین رک.

Eyal Benvenisti, *International law of Occupation*, 2004, p.4; G.Von Glahn, *The Occupation of Enemy Territory: A Commentary on the Law And Practice of Belligerent Occupation*, 1957, pp.27-29.

18. Falk Statement in the Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*, para. 2.

19. "The Scope of Israeli Control in the Gaza Strip", [www. btselem. org/ english/ Gaza_ Strip/ Gaza_ Status. asp](http://www.btselem.org/english/Gaza_Strip/Gaza_Status.asp) ;

کمیسر عالی حقوق بشر نیز در بیاناتش در نشست ویژه شورای حقوق بشر بر اعمال «کنترل مؤثر» رژیم اشغالگر قدس بر نوار غزه تأکید کرد:

UN High Commissioner Statement in the Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*.

20. /Res/ES-7/4, 28 Apr. 1982; S/Res/605, 22 Dec. 1987; S/Res/446, 22 Mar. 1979; S/Res/1322, 7 Oct. 2000; S/Res/465, 1 Mar. 1980; S/Res/1544, 19 May 2004;

در همه قطعنامه‌های یاد شده بر رعایت کنوانسیون چهارم ژنو و حقوق اشغال تأکید شده است.

سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ است و بخشی از دولت فلسطینی خواهد بود».* در متن اصلی قطعنامه، کوچک‌ترین اشاره‌ای به «قدرت اشغالگر» نشده و تنها به ذکر نام رژیم صهیونیستی اکتفا شده است.^{۲۱}

با توجه به مباحث یاد شده (عناصر تشخیص کنترل مؤثر رژیم اشغالگر بر نوار غزه) و نیز کنترل قاطعی که این رژیم بر مرزهای زمینی، هوایی و دریایی اعمال می‌کند، اتخاذ این نتیجه‌گیری که رژیم مزبور دیگر قدرت اشغالگر محسوب نمی‌شود، نتیجه‌گیری عجولانه‌ای است. اگرچه در قطعنامه شورای حقوق بشر به عبارت «تجاوز نظامی» اشاره شده، ولی همچنان وضعیت نوار غزه، سرزمین تحت اشغال عنوان شده که کنوانسیون چهارم ژنو در مورد آن لازم‌الاجرا است و از رژیم صهیونیستی نیز به‌عنوان قدرت اشغالگر یاد شده است.^{۲۲} به‌علاوه، همان‌طور که اشاره شد مقدمه قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت نیز به‌وضوح بیان می‌دارد که نوار غزه «بخش جدایی‌ناپذیری از سرزمین‌های اشغالی از ۱۹۶۷ محسوب می‌شود و [در آینده] بخشی از دولت فلسطینی خواهد بود».^{۲۳}

بر این اساس باید گفت تداوم «کنترل مؤثر» رژیم صهیونیستی بر نوار غزه باعث می‌شود که این منطقه همچنان سرزمین تحت اشغال و این رژیم نیز قدرت اشغالگر تلقی شود.^{۲۴} در کنار چتر حمایتی حقوق اشغال، قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه نیز در جریان درگیری سه هفته‌ای در این منطقه لازم‌الاجرا و قابل اعمال بود که در زیر به مهم‌ترین این قواعد و وضعیت رعایت آن از سوی نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی اشاره می‌کنیم.

۳. وضعیت رعایت اصول اساسی حقوق بشر در دوستانه بین‌المللی در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹

همان‌طور که قبلاً اشاره شد دیوان عالی رژیم اشغالگر در قضیه بسیونی علیه نخست‌وزیر اذعان داشت که «تکالیف اصلی این رژیم در مورد ساکنان غزه برخاسته از وضعیت مخاصمه مسلحانه‌ای است که بین آن دولت و سازمان حماس که نوار غزه را کنترل می‌کند، وجود دارد».^{۲۵} تعدادی از اصول حقوق بشر در دوستانه یا همان حقوق ناظر بر مخاصمات مسلحانه، بنا به

*. تأکید از نویسنده است.

21. S/Res/1860, 8 Jan. 2009.

22. A/HRC/S-9/L.1, 12 Jan. 2009.

23. S/Res/1860, 8 Jan. 2009.

24. جالب توجه است که دادستان کل رژیم صهیونیستی و مشاور اول نخست‌وزیر، گفته بودند که برنامه تخلیه نوار غزه به اشغال آن پایان نمی‌دهد:

Haaretz, 8 & 25 October & 18 December 2004, available on www.haaretz.com

25. Bassiouni Case, 2008, *Supra*, para. 12.

گفته دیوان بین‌المللی دادگستری، اصولی هستند که تحت هیچ شرایطی قابل نقض نیستند و بنابراین، جزء قواعد امره بین‌المللی محسوب می‌شوند^{۲۶} که از آن جمله می‌توان به اصل تفکیک، اصل تناسب و منع رنج بیهوده اشاره کرد. به‌علاوه، نقض بسیاری از قواعد اساسی حقوق مخاصمات مسلحانه از جمله ممنوعیت توسل به سلاح‌های شیمیایی یا سمی، ممنوعیت توسل به سلاح‌هایی که ماهیتاً باعث ایراد رنج بیهوده می‌شوند یا کورکورانه عمل می‌کنند، به گرسنگی کشاندن جمعیت غیرنظامی به‌عنوان یک روش جنگی، حمله به ساختمان‌ها و تجهیزات پزشکی و واحدهای حمل و نقل مربوط از جمله آمبولانس‌ها و حمله به پرسنلی که از علائم مشخصه کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو استفاده می‌کنند، در کنار نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری - که بیان حقوق عرفی تلقی می‌شود- از مصادیق جنایت جنگی است.^{۲۷}

در ذیل به بررسی وضعیت رعایت تعهدات مذکور از سوی رژیم اشغالگر در جریان درگیری در نوار غزه در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ خواهیم پرداخت.

۱-۳. اصل تفکیک

مجموعه‌ای از اتهامات ذیل به منزله نقض اصل تفکیک توسط رژیم اشغالگر است که از آن جمله می‌توان حمله به مناطق مسکونی، مدارس، مساجد، تأسیسات پزشکی، آمبولانس‌ها و پرسنل آنها اشاره کرد. مسئول برنامه عفو بین‌الملل در خاورمیانه و شمال آفریقا در خصوص حملات این رژیم به اهداف غیرنظامی می‌گوید: استفاده رزمندگان فلسطینی از خانه‌ها و مناطق مسکونی برای پرتاب راکت یا هرگونه حمله دیگر، آن ساختمان‌ها و ساکنان غیرنظامی آن را تبدیل به یک هدف مشروع نمی‌کند؛ «چنین حملاتی غیرقانونی و نامشروع است».^{۲۸}

حقوق بشردوستانه، اصل تفکیک را شامل ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی دانسته، مقرر می‌دارد که حملات فقط باید علیه اهداف نظامی جهت‌گیری شوند. هدف نظامی نیز هدفی تعریف شده که «به لحاظ ماهیت یا براساس موقعیت یا استفاده‌ای که از آن می‌شود،

26. ICJ Reports, 1996, para. 79; Commentary to the Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Commentary to Draft Article 40, paras. 7 & 8.

27. Rome Statute of the International Criminal Court Adopted by the UN Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an Int'l Criminal Court on 17 July 1998, A/CONF. 183/9, Article 8(2) a & 8(2) b, www.un.org/icc/part2.htm

28. www.amnesty.org/en/for-media/press-release/gaza-military-tactics-both-sides-endangering-civilians.htm

کمک مؤثری به عملیات نظامی کرده، تحت شرایط حاکم بر زمان، تخریب کلی یا جزئی یا تسخیر و یا خنثی‌سازی آن، مزیت نظامی قاطع به همراه داشته باشد».^{۲۹}

گزارش‌ها حاکی از آن است که در وقایعی نظیر خوضاعه که قبلاً به آن اشاره شد، یا در واقعه روستای زیتون^{۳۰} اهداف مورد حمله به هیچ وجه نظامی نبوده و به واسطه حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی، اصل تفکیک به‌طور جدی نقض شده است. بنا به اظهارات کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، غیرممکن بودن دسترسی به خدمات اصلی و انهدام زیرساخت‌های غیرنظامی و مدنی بر اثر حملات شدید و پی‌درپی از جمله مدارس، بیمارستان‌ها، نیروگاه‌های برق، ذخایر آب و شبکه‌های فاضلاب، بخش وسیعی از مردم را در معرض خطرهای بزرگ‌تری قرار داد.^{۳۱} شدت حملات به اهداف غیرنظامی به قدری بود که گفته می‌شد به‌دلیل «ماهیت نظام‌مند تخریب»، فعالیت اقتصادی در این منطقه سال‌ها به عقب بازگشته است. نماینده ملل متحد در این خصوص به خبرنگار بی بی سی اظهار داشت: «مساحت یک کیلومتر مربع در منطقه صنعتی غزه با خاک یکسان شده است». وی افزود نابودی بخش خصوصی برای آینده غزه و مردمش از آن جهت فاجعه‌آمیز است که مردم در آینده مجبورند برای اداره معاش خود چشم امید به بخش دولتی بدوزند.^{۳۲}

29. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, & Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflict (Protocol I), 8 June 1977, Arts. 51 & 52;

لازم به ذکر است که این مقررات به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی شده‌اند:

"List of Customary Rules of Int'l Humanitarian Law", (ICRC), Vol. 87, no. 857, March 2005, pp. 198-212;

همچنین رک. رنجریان، امیرحسین، «ابعاد حقوقی و انسانی فاجعه غزه»، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دی‌ماه ۱۳۸۷، ص ۳-۴؛ ضیایی بیگدلی، محمدرضا، همان، ص ۱۰۳-۱۳۶.

۳۰. در چهارم ژانویه ۲۰۰۹ نیروهای رژیم اشغالگر که وارد روستای زیتون شده بودند ۱۱۰ نفر را وادار کردند در یک خانه مستقر شوند. نیمی از این تعداد کودک بودند. ۲۴ ساعت بعد نیروهای رژیم مزبور مکرراً خانه را هدف آتش قرار دادند که طی این حملات ۳۰ نفر کشته شدند. کسانی که زنده مانده بودند و می‌توانستند راه بروند کیلومترها راه رفتند تا به جاده صلاح‌الدین برسند. ۳ کودک که کم‌سن‌ترین آنها ۵ ماهه بود به محض رسیدن به بیمارستان جان باختند. نیروهای رژیم اشغالگر به مدت ۴ روز مانع از رسیدن تیم‌های پزشکی به این منطقه شدند؛

"Protection of Civilians", Weekly Report (1-8 January 2009), Office for Coordination of Humanitarian Affairs, Available on www.ochaopt.org

31. UN High Commissioner Statement in Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*.

32. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7846625.stm, 23 Jan. 2009;

لازم به ذکر است که طبق ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو، تخریب گسترده اموال که با ضرورت نظامی توجیه نشود و غیرقانونی و از سر بی‌احتیاطی صورت بگیرد، نقض فاحش این کنوانسیون تلقی می‌شود:

Fourth Geneva Convention 1949, *Supra*, Art. 147.

نقض اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی به‌ویژه برای کودکان نتایج تأسفبارتری به‌دنبال داشت.^{۳۳} آمار تلفات کودکان در سه هفته درگیری (حدود ۴۰۰ کشته) نشان‌دهندهٔ وسعت آسیب و صدمه‌ای است که به این گروه آسیب‌پذیر جامعه وارد شده است. آمار تلفات و آسیب‌های وارد از همان ابتدای درگیری به‌حدی زیاد بود که صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، در ۶ ژانویه ۲۰۰۹ در مورد وضعیت ۸۴۰ هزار کودک در غزه شدیداً اظهار نگرانی کرد، چرا که این گروه، «اولین کسانی هستند که به لحاظ روحی پریشان و درمانده می‌شوند، بیشترین نیاز را به کمک پزشکی دارند، و بیش از اقشار غیرنظامی دیگر در جریان درگیری نظامی در معرض صدمه و آسیب قرار می‌گیرند».^{۳۴}

در موارد متعدد، نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی از خانه‌های فلسطینیان به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کردند. نیروهای این رژیم خانواده‌های فلسطینی را در خانه‌های خود زندانی کرده، از آن خانه‌ها به‌عنوان پایگاه نظامی یا مواضع تیراندازی استفاده کرده‌اند. عفو بین‌الملل شواهدی جمع‌آوری کرده دال بر اینکه چنین عملی رویه معمول سربازان رژیم مزبور بوده است. این نمونه کاملی از استفاده از سپر انسانی تلقی می‌شود.^{۳۵}

در جریان درگیری ۲۱ روزه در نوار غزه، ۵۳ مورد از اماکن و تأسیسات مورد استفاده کارکنان ملل متحد و کارگزاری‌های وابسته از جمله ۳۷ مدرسه آسیب دید یا تخریب شد. ۶ مدرسه از این تعداد به‌عنوان پناهگاه‌های اضطراری، ۶ مورد به‌عنوان مراکز درمانی و ۲ مورد به‌عنوان انبار مورد استفاده قرار می‌گرفت.^{۳۶} در جریان تخریب یکی از مدارس ۴۳ نفر غیرنظامی کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شدند. درحالی‌که رژیم صهیونیستی ادعا کرده بود این حمله علیه خمپاره‌اندازهای حماس صورت گرفته، مسئول هدایت عملیات آژانس کمک‌رسانی به پناهندگان فلسطینی در شرق نزدیک (UNRWA)، اظهار داشت که هیچ عضو نظامی حماس داخل ساختمان نبوده است.^{۳۷}

امروزه ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی و نیز ممنوعیت حمله به پرسنل و اماکن ملل متحد و حمایت از پرسنل بشردوستانه جزء حقوق بین‌الملل عرفی است که در

^{۳۳}. به‌عنوان مثال، هدف قرار دادن یک عضو حماس که با موتورسیکلت در حال عبور از مقابل یک ایستگاه اتوبوس بود، منجر به مجروح شدن ۴ کودک ۸، ۹، ۱۰ و ۱۲ ساله شد؛

www.guardian.co.uk/world/2009/jan/29/israeli-drone-strike-injuries-children/print , 29 Jan. 2009

³⁴. UN News Service, 6 Jan. 2009, available on www.un.org/news

³⁵. www.mg.co.za/printformat/single/2009-01-17-prima-facie-evidence-of-war-crimes , 17 Jan. 2009

³⁶. <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/01/2009129232237121901.html> , 30 Jan. 2009

³⁷. UN News Service, 7 Jan. 2009, available on www.un.org/news

قطعه‌نامه ۱۶۷۴ شورای امنیت نیز مورد تأیید قرار گرفته و در واقع، حمله عامدانه به این اهداف و افراد، جنایت جنگی تلقی می‌شود.^{۳۸}

۳-۲. ضرورت تسهیل امداد بشردوستانه

سیاست محاصره که رژیم اشغالگر در پاسخ به در دست‌گیری قدرت از سوی حماس در غزه و پرتاب راکت از سوی رزمندگان منتسب به آنها به مناطق مرزی رژیم اشغالگر در پیش گرفت، نقض ممنوعیت مجازات دسته‌جمعی فلسطینیان ساکن نوار غزه را به دنبال داشت. حمله نظامی ارتش این رژیم به نوار غزه، بحران حاصل از این محاصره ۱۸ ماهه را تشدید کرد.

در هفتمین روز حمله هوایی به غزه، ملل متحد هشدار داد که فلسطینی‌ها با بحران جدی غذایی و دارویی مواجهند و «سرپرست هماهنگ‌کننده مواد غذایی ملل متحد برای سرزمین‌های اشغالی»، وضعیت موجود را وضعیت وخیم و اضطراری (فوق‌العاده وخیم) توصیف کرد. درحالی‌که وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر گفته بود ۷۸۰۰ تن کمک بشردوستانه از آغاز درگیری در نوار غزه توزیع شده، مقام مذکور ملل متحد اظهار داشت بین ارقام عنوان‌شده و ارقام واقعی فاصله زیادی وجود دارد.^{۳۹} این در حالی بود که شورای حقوق بشر ملل متحد، محاصره مذکور و عدم امکان دسترسی فلسطینیان به سوخت، غذا و دارو را مجازات دسته‌جمعی غیرنظامیان فلسطینی شناسایی کرد و از رژیم اشغالگر خواست به محاصره خاتمه داده، به کاروان‌های بشردوستانه اجازه دسترسی و حرکت آزادانه به سمت نوار غزه را بدهد و مسیرهای امنی برای حرکت آنها ایجاد کند.^{۴۰}

عبارت امداد بشردوستانه، اگرچه تعریف گسترده‌ای دارد، لکن به‌طور قطع شامل تدارک کالاهای ضروری برای حفظ جان و سلامت قربانیان یک وضعیت است. این عبارت شامل تدارک مواد غذایی ضروری، آب بهداشتی، لباس، حداقل امکانات مسکونی شامل وسایل گرم‌ساز در هوای سرد و برخی تجهیزات پزشکی و داروهای اساسی است و خدمات اساسی، از جمله خدمات پزشکی-درمانی و دفاع غیرنظامی را نیز در برمی‌گیرد.^{۴۱}

38. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, *Supra*, Art. 8(2)(b)I, 8(2)(b)iii, 8(2)(b)v, 8(2)(b)ix, 8(2)(b)xxiv; "List of Customary Rules of Int'l Humanitarian Law", 2005, *Supra*; S/Res/1674, 28 Apr. 2006.

39. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7808825.stm, 2 Jan. 2009

40. A/HRC/S-9/L.1, 12 Jan. 2009, Preamble & para. 6.

41. Jovan Patnogie, *New Issues for Int'l Humanitarian Law Regarding Humanitarian Assistance*, Int'l Institute of Humanitarian Law, 2004, pp. 10-14;

همچنین رک. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، «حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات داخلی»، نشر میزان، تهران بهار ۱۳۸۶، (چاپ دوم)، ص ۱۳۷-۱۴۷؛ سیاه رستمی، هاجر، حقوق کمک‌های بشردوستانه با تکیه بر نقش کمیته بین‌المللی

ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد: «نیروی اشغالگر تا حدی که در توان دارد موظف است غذا و تجهیزات پزشکی جمعیت (غیرنظامی) را تأمین کند. به‌خصوص در صورتی که منابع سرزمین تحت اشغال کافی نباشد باید مواد غذایی، تجهیزات پزشکی و سایر موارد ضروری را وارد کند».^{۴۲} همچنین قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت نیز تأکید می‌کند که قدرت اشغالگر یا اطراف درگیری باید به پرسنل بشردوستانه، اجازه دسترسی کامل بدون مانع به غیرنظامیان نیازمند به کمک را در درگیری‌های مسلحانه داده، تا حد امکان تسهیلات ضروری برای فعالیتشان را فراهم آورند.^{۴۳} باید به این نکته توجه داشت که ممانعت عمدی از رسیدن کاروان‌های کمک و امداد به نحوی که به گرسنگی جمعیت غیرنظامی منجر شود طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت جنگی محسوب می‌شود.^{۴۴}

در فاصله ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ سازمان‌های امدادسانی و بشردوستانه از جمله صلیب سرخ و نیز کارگزاری‌های وابسته به ملل متحد، دسترسی مردم به مواد غذایی و دارویی و نیز امکان تحرک پرسنل مربوط در نوار غزه و کمک‌رسانی به جمعیت غیرنظامی را بسیار دشوار برآورد کردند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، رژیم اشغالگر را به ایجاد تأخیر در دسترسی آمبولانس‌ها به مناطق بمباران شده متهم کرد. رئیس کمیته مذکور با اشاره به اینکه نیروی امداد ۴ کودک را در کنار جسد مادران مرده‌شان در خانه‌ای بمباران شده در غزه یافتند، چنین واقعه‌ای را «تکان‌دهنده» دانست. همچنین این کمیته در اقدامی بی‌سابقه، این رژیم را متهم به نقض حقوق بشردوستانه در غزه کرد؛ بر این اساس که با وجود آگاهی از وضعیت، نه تنها به مجروحین کمک نکرده، بلکه برای این سازمان یا سازمان هلال احمر فلسطین نیز امکان کمک‌رسانی به مجروحین را فراهم نیاورده است.^{۴۵} با توجه به عملکرد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ طی سالیان متمادی، مبنی بر حفظ بی‌طرفی تحت هرگونه شرایطی، اقدام اخیر این کمیته نشان‌دهنده عمق فاجعه و وخامت بحران انسانی در نوار غزه در طول سه هفته درگیری مذکور است.

صلیب سرخ، در: صلیب سرخ و هلال احمر و حقوق بشردوستانه (مجموعه مقالات همایش نهضت بین‌المللی)، انتشارات کلام شییدا، تهران ۱۳۸۳، ص ۹۹-۱۳۳.

42. Fourth Geneva Convention 1949, *Supra*, Art. 55.

43. S/Res/1674, 28 Apr. 2006.

44. Rome Statute of the International Criminal Court, 1998, *Supra*, Art. 8(2)(b)xxv.

45. www.commondreams.org/print/36198 , 8 Jan. 2009

۳-۳. اصل تناسب

در خلال درگیری و پس از آن، رژیم صهیونیستی اصرار داشت که سربازانش برای محدود کردن تلفات غیرنظامی در مناطق پرجمعیت تلاش کرده‌اند. با این حال، پزشکان غزه آمار نهایی کشته‌شدگان و مجروحین درگیری مذکور را به ترتیب ۱۳۳۰ و ۵۴۵۰ نفر اعلام کردند. ۶۵ درصد کشته‌شدگان غیرنظامی و ۴۳۷ نفر آنها کودک بوده‌اند. این در حالی است که در همین مدت ۱۰ سرباز و ۳ شهروند غیرنظامی این رژیم کشته شده‌اند.^{۴۶}

میزان سنگین تر بودن کفۀ تلفات غیرنظامی فلسطینیان در کنار محاصره ۱۸ ماهه نوار غزه،^{۴۷} نشان از نقض جدی اصل تناسب دارد. وسعت خرابی‌ها و دامنه حملات، این عدم تناسب را تصدیق می‌کند: «بین تهدید ادعایی رژیم اشغالگر ناشی از پرتاب راکت از غزه و هدف‌هایی که این رژیم آنها را مورد حمله قرار داده تناسبی وجود ندارد».^{۴۸} در اظهارات نمایندگان دول عضو شورای امنیت نیز بارها به نقض اصل تناسب توسط نیروهای نظامی رژیم مزبور اشاره شده است.^{۴۹} حمله به مسجدی در بیت لحیا که بیش از ۲۰۰ نفر در آن در حال اقامه نماز بوده‌اند و یا تخریب ۱۸۰ خانه در رفح در یک شب از جمله مواردی است که نشان می‌دهد رژیم اشغالگر در جریان حمله به غزه مکرراً اصل تناسب را نقض کرده است.^{۵۰} لازم به ذکر است که اصل تناسب

46. <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/01/2009125143226707260.html> , 25 Jan. 2009

۴۷. رک. ساعد، نادر، «حقوق بشر دوستانه ناظر بر به قحطی کشاندن غیرنظامیان در نوار غزه، در: تحولات فلسطین از منظر حقوق، سیاست و امنیت»، مرکز حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی (انتشارات سنا)، اسفند ۱۳۸۷، ص ۸۴-۷۷.

48. Falk Statement in the Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*.

49. Security Council, SG/9565, 6061 mtg, 7 Jan. 2009, *Supra*, Statements of Delegations of Malasia, Pakistan, Cuba, Brazil, Argentina, Island, Paraguay;

نیز اتحادیه افریقا از ملل متحد خواست در مورد نقض حقوق بشر در حملاتی که اصل تناسب را نقض کرده است تحقیق و بررسی کند:

<http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/01/2009/29232237121901.html> , 30 Jan. 2009

سازمان‌های حقوق بشری همچون عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر نیز مکرراً در گزارش‌ها و بیانیه‌های خود به نقض اصل تناسب در حملات نیروهای رژیم اشغالگر اشاره کرده‌اند:

www.amnesty.org/en/news-and/updates/news/growing-calls-investigations-and-accountability-gaza-conflict-20090114;

<www.hrw.org/en/news/2008/12/30/israel-artillery-poses-risk-gaza-civilians>;

<www.ngo-monitor.org/article/amnesty_s_call_for_weapons_boycott_sentencing_israel_before_trial>

50. www.guardian.co.uk/world/2009/jan/10/israel-gaza-war-crimes/print, 10 Jan. 2009; [http:// news.bbc.co.uk/go/pr/ft/-/2/hi/middle_east/7809699.stm](http://news.bbc.co.uk/go/pr/ft/-/2/hi/middle_east/7809699.stm) , 3 Jan. 2009.

جزء اصول عرفی حقوق بشردوستانه است که تخطی ناپذیر و در نتیجه قاعده آمره تلقی می‌شود؛^{۵۱} علاوه بر آنکه نقض آن نیز جنایت جنگی به حساب می‌آید.^{۵۲}

۳-۴. ممنوعیت توسل به اقدامات تلافی جویانه

شواهد متعددی وجود دارد دال بر اینکه ممنوعیت تلافی علیه جمعیت یا افراد غیرنظامی امروزه تحت هر شرایطی، حتی در صورت مواجهه با رفتار نامشروع و غیرقانونی طرف دیگر مخاصمه، باید به‌عنوان قاعده‌ای جدایی‌ناپذیر از حقوق بشردوستانه عرفی رعایت شود.^{۵۳}

محاصره غزه به مدت ۱۸ ماه قبل از آغاز درگیری در ۲۷ دسامبر در واقع اعمال مجازات دسته جمعی در سطحی گسترده و در پاسخ به روی کار آمدن حماس و حملات راکتی رزمندگان فلسطینی بود؛ حملاتی که طبق گفته گزارشگر ویژه ملل متحد برای سرزمین‌های اشغالی، نمی‌توان آن را به‌طور کلی منتسب به حماس دانست و حتی قبل از به قدرت رسیدن حماس نیز مقامات حاکم بر غزه قادر به ممانعت از این حملات نبودند.^{۵۴}

ارتش رژیم اشغالگر مدعی بوده که پاسخ به حملات راکتی حماس، «غیرقابل اجتناب» و «گریزناپذیر» است، در حالی که بررسی آتش‌بس قبل از ۴ نوامبر ۲۰۰۸ نشان می‌دهد حماس فعلاً خواهستار حفظ آتش‌بس و حتی افزایش مدت آن برای ۱۰ سال بوده و در واقع، و این توسل به زور از طرف رژیم اشغالگر در ۴ نوامبر ۲۰۰۸ به‌طور غیررسمی به پایان آتش‌بس انجامیده است.^{۵۵} با این حال، همچنان تأکید می‌کنیم که حتی به فرض تقدم حملات موشکی حماس به اهداف غیرنظامی در این رژیم و با توجه به غیرقانونی و نامشروع بودن چنین حملات کورکورانه‌ای، مسئولیت رژیم مزبور برای رعایت حقوق بین‌الملل و از جمله ممنوعیت اقدامات تلافی جویانه کاملاً مستقل از رعایت تعهدات حقوق بین‌الملل توسط حماس است.

۵۱. اصل تناسب عبارت است از انجام حمله‌ای که تلفات جانی اتفاقی برای غیرنظامیان به همراه داشته باشد یا باعث آسیب به آنها یا به اهداف غیرنظامی یا ترکیبی از این دو بشود، به شرطی که تلفات و آسیب‌های وارد از مزیت نظامی مستقیم و عینی مورد انتظار بیشتر نباشد؛

Additional Protocol I, 1977, *Supra*, Art. 57;

برای بررسی عرفی بودن این اصل، رک.

"List of the Customary Rules of Int'l Humanitarian Law", 2005, *Supra*;

همچنین رک.

ICJ Reports, 1996, para. 79.

52. Rome Statute of the Int'l Criminal Court, 1998, *Supra*, Art. 8)2)b)iv.

53. *Prosecutor v. Martić*, Case No. IT-95-11, 8 Mar. 1996, para. 17; *Prosecutor v. Kupreskic et al.*, Case No. IT-95-16, 14 Jan. 2000, para. 531; *Prosecutor v. Tadić*, Case No. IT-94-1-AR 72, 2 Oct. 1995, para. 112; A/Res/2675 (XXV), 9 Dec. 1970.

54. Falk Statement in the Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, para. 7.

55. *Ibid.*, para. 8.

۵۵ ❖ اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه ...

همان‌طور که کمیسر عالی حقوق بشر نیز تأکید کرده، تعهدات دولت در خصوص حمایت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی نمی‌تواند براساس توسل به اقدامات تلافی‌جویانه نقض شود و به هیچ وجه معطوف به اصل مقابله به مثل نیست: «حملات هوایی تلافی‌جویانه توسط نیروهای رژیم اشغالگر، تلفات جانی و خسارات معیشتی غیرقابل‌تحملی وارد کرده و غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی را در یکی از پرجمعیت‌ترین نقاط جهان دائماً در معرض خطری شدید قرار می‌دهد».^{۵۶}

۳-۵. ممنوعیت توسل به برخی سلاح‌ها: بمب‌های فسفوری سفید

از جمله سلاح‌های ممنوعی که به گفته گزارشگر ملل متحد برای سرزمین‌های اشغالی در جریان درگیری سه هفته‌ای در غزه از آن استفاده شد^{۵۷} بمب‌های فسفوری سفید بود که به گفته ناظران عینی، استفاده رژیم اشغالگر از این بمب‌ها در مناطق مسکونی پرجمعیت، غیرقابل‌انکار است. حقوق بین‌الملل استفاده از بمب‌های فسفوری سفید را در میدان جنگ و به‌عنوان پوششی جهت استتار عملیات جنگی مجاز دانسته، اما به دلیل آثار ناشی از این سلاح بر پوست و سوختگی‌های شدیدی که ایجاد می‌کند و گاه حتی منجر به مرگ می‌شود توسل به آن را در مناطق مسکونی ممنوع ساخته است.

شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد ارتش رژیم اشغالگر از بمب‌های فسفوری سفید در مناطق مسکونی پرجمعیت استفاده کرده و اگرچه در ابتدا توسل به این سلاح را انکار کرد، اما به دلیل وجود شواهد محکم و ادله قاطع نهایتاً مجبور به پذیرش توسل به این سلاح شد.^{۵۸} استفاده از این بمب‌ها در مناطق مسکونی غیرنظامی به‌عنوان نقض ممنوعیت استفاده از سلاح‌هایی که ماهیتاً باعث ایراد رنج بی‌هوده شده و کورکورانه عمل می‌کند، جنایت جنگی محسوب می‌شود.^{۵۹}

56. UN High Commissioner Statement in Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*.

57. Falk Statement in Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*.

58. www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east, 12 & 24 Jan. 2009 & 2 Feb. 2009; www.hrw.org/eng/news/2009/01/10/israel-stop-unlawful-use-white-phosphorus-gaza, 10Jan.2009;http://news.bbc.co.uk/go/pr/ft/-/2/hi/middle_east/7846970.stm, 23 Jan. 2009

59. Rome Statute of Int'l Criminal Court, 1998, *Supra*, Art. 8)2)b)xvii & xviii & xx.

۴. اعمال اصل مسئولیت کیفری فردی و موضع رژیم اشغالگر قدس در برابر «بی‌کیفری»

پس از حمله به روستای زیتون که از جمله منجر به کشته شدن ۳۰ تن فلسطینی در یک خانه شد، زمه‌هایی در خصوص ارتکاب جنایت جنگی توسط نیروهای نظامی رژیم اشغالگر و لزوم تحقیق و بررسی در مورد آن شنیده شد. پس از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و بیانیه صریح کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تعدادی از گروه‌های حقوق بشری رژیم اشغالگر نیز فهرست نگران‌کننده‌ای از نقض قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه توسط سربازان خودشان ارائه دادند. این اتهامات حول دو محور اساسی بود: (۱) حملات آگاهانه و عامدانه به غیرنظامیان و جمعیت غیرنظامی، (۲) عدم رعایت اصل تناسب.^{۶۰}

طبق مقررات مربوط به فاحش کنوانسیون چهارم ژنو، دول عضو کنوانسیون مذکور موظفند افراد متهم به ارتکاب این‌گونه نقض‌های فاحش یا کسانی که فرمان ارتکاب آن را صادر کرده‌اند، پیدا کرده، فارغ از تابعیتشان آنها را در محاکم خود محاکمه کنند یا به دولتی که تقاضای استرداد و محاکمه آنان را داشته باشد مسترد بدارند.^{۶۱} از جمله مواردی که در ماده ۱۴۷ در فهرست نقض‌های فاحش به آن اشاره شده کشتار عامدانه، ایراد عامدانه رنج بیش از حد یا آسیب جدی به بدن و یا سلامتی، محصور کردن غیرقانونی افراد تحت حمایت و تخریب گسترده اموال است که با ضرورت نظامی قابل توجیه نبوده، غیرقانونی و از سر بی‌احتیاطی صورت بگیرد.^{۶۲} بدیهی است دولت متبوع عاملان نقض‌های فاحش که افراد مذکور در سرزمین آن حضور دارند، برای اعمال صلاحیت در خصوص آنان «مسئولیت اولیه» دارد، به‌ویژه اگر چنین نقض‌هایی در عملیاتی صورت گرفته باشد که دستور آن را حکومت متبوع صادر کرده است.^{۶۳}

همچنین بسیاری دیگر از نقض‌های مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه (حقوق بشردوستانه) که در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز به آن اشاره شده، امکان اعمال اصل صلاحیت جهانی را در اختیار دولت‌ها می‌گذارد. به عبارت دیگر «اصل ممنوعیت بی‌کیفری و لزوم محو آن»، که امروزه جزء اصول مسلم حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود، مستلزم آن است که مواردی

60. www.guardian.co.uk/world/2009/jan/10/israel-gaza-war-crimes/print, 10 Jan. 2009; www.guardian.co.uk/world/2009/jan/18/israel-war-crimes-gaza-conflict/print, 18 Jan. 2009;

جالب توجه است که خود اولمرت ادعا کرده «توسل به زور بدون رعایت اصل تناسب» سیاست اتخاذی رژیم اشغالگر از ابتدا بوده است:

Inter Press Service News Agency, 22, Mar. 2009, on www.ipsnews.net

61. Fourth Geneva Convention 1999, *Supra*, Art, 146.

62. *Ibid.*, Art. 147.

63. لیون سیسیلیانوس، الکساندر، «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایات بین‌المللی»، ترجمه هنجنی، سیدعلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۲۴۱-۲۲۵.

نظیر گلوله‌باران مناطق پرجمعیت غیرنظامی، توسل به سلاح‌های ممنوع از جمله بمب‌های فسفوری سفید، استفاده از خانه‌های مسکونی به‌عنوان سپر انسانی، حمله به تأسیسات و تسهیلات پزشکی از جمله آمبولانس‌ها و کشتن افراد پلیس، و نیز ممانعت از دسترسی نیروهای امداد پزشکی به مجروحین و بازماندگان غیرنظامی حملات، بدون پاسخ نماند.^{۶۴}

با توجه به آنچه در طول سه هفته درگیری در نوار غزه رخ داد و با لحاظ اصل «ممنوعیت بی‌کیفری»، مراجع مختلفی خواستار تحقیق و بررسی در خصوص وقوع ارتکاب جنایات جنگی در نوار غزه شده‌اند.^{۶۵} از جمله، مهم‌ترین سازمان حقوق بشری رژیم اشغالگر، «بتسلم» طی نامه‌ای از دادستان کل اورشلیم خواسته تحقیقاتی در خصوص جنایات جنگی احتمالی خصوصاً در موارد زیر انجام دهد:

- انتخاب اهداف،

- کشتن افراد پلیس شهری،

- ممانعت از دسترسی مجروحین به کمک‌های پزشکی و ممانعت آمبولانس‌ها از کمک‌رسانی

به مجروحین،

- هدف قرار دادن مردمی که پرچم سفید در دست داشته‌اند.

این سازمان به دادستان هشدار داده که انجام چنین تحقیقاتی مانع از رسیدگی‌های آتی قضایی ملی و بین‌المللی و اعمال صلاحیت جهانی در این خصوص خواهد شد.^{۶۶}

با این حال در دستگاه‌های قضایی و اجرایی رژیم اشغالگر اراده لازم برای محاکمه ناقضان حقوق بشردوستانه به چشم نمی‌خورد. همچون موارد گذشته، دولت و کارشناسان نظامی این رژیم معتقدند سربازان و نیروی نظامی‌شان کاملاً قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه را رعایت کرده و در واقع بیش از ارتش ایالات متحده در عراق و افغانستان احتیاط کرده‌اند.^{۶۷} نخست وزیر رژیم مزبور اعلام کرد: «فرماندهان و سربازانی که به غزه فرستاده شدند باید بدانند که کاملاً در برابر محاکم مختلف امنیت دارند و این رژیم به آنها کمک کرده، آنان را حمایت می‌کند».^{۶۸}

۶۴. قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت که بیان حقوق عرفی در زمینه حمایت از جمعیت غیرنظامی محسوب می‌شود، بر لزوم محو بی‌کیفری در جوامع در حال درگیری یا جوامعی که در دوران بازسازی پس از درگیری به سر می‌برند، تأکید کرده است: S/Res/1674, 28 Apr. 2009, paras. 7 & 8;

همچنین رک. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، همان، ص ۱۳۷-۱۴۷.

65. UN News Service, 9 Jan. 2009, available on: www.un.org/news; www.mg.co.za/printformat/single/2009-01-17-prima-facie-evidence-of-war-crimes, 17 Jan. 2009; <http://jurist.law.pitt.edu/printable.php>, 2 Feb. 2009; UN High Commissioner Statement in Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009, *Supra*.

66. www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east, 2 Feb. 2009; www.mg.co.za/printformat/single/2009-01-17-prima-facie-evidence-of-war-crimes, 17 Jan. 2009

67. www.time.com/time/printout/0,8816,1873496,00.html, 23 Jan. 2009

68. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7850085.stm, 25 Jan. 2009

دستگاه سانسور ارتش رژیم اشغالگر نیز هویت فرماندهانی را که در جنگ غزه حضور داشته یا به‌نحوی در آن درگیر بوده‌اند به دلیل ترس از ایراد اتهام جنایت جنگی فاش نکرده است.^{۶۹} دادستان کل این رژیم به رسانه‌ها دستور داده از فاش کردن نام پرسنل نظامی که در جنگ سه هفته‌ای در نوار غزه شرکت کرده‌اند، خودداری کنند.^{۷۰} همچنین نخست‌وزیر، وزیر دادگستری را مسئول دفاع از سربازان و فرماندهان در برابر هرگونه اتهام جنایت جنگی کرده است. دانیل فریدمن نیز یک گروه بین‌وزارتی برای هماهنگی جهت دفاع از نظامیان و شهروندان رژیم اشغالگر تشکیل داده است.^{۷۱} وزارت دادگستری و وزارت امور خارجه رژیم اشغالگر نیز به‌طور هماهنگ شروع به تهیه فهرستی از دفاتر حقوقی در آن دسته از کشورهای اروپایی کرده‌اند که ممکن است در آینده در محاکم آن کشورها قضایایی علیه اتباع این رژیم در این خصوص مطرح شود.^{۷۲}

چنین اقدامات گسترده‌ای نشان‌دهنده تلاش سیستماتیک رژیم اشغالگر برای اشاعه بی‌کیفری و حمایت از ناقضان حقوق مخاصمات مسلحانه است که فی‌نفسه نقض فاحش «قواعد بنیادین برای حفظ ارزش‌های والای جامعه بین‌المللی» به‌شمار می‌رود و متضمن تشدید «مسئولیت بین‌المللی» برای رژیم اشغالگر است.^{۷۳}

اگر دستگاه قضایی رژیم اشغالگر مایل به انجام تحقیقات و اعمال صلاحیت در خصوص نقض‌های ارتكابی و جنایات جنگی در درگیری غزه نباشد نظام عدالت بین‌الملل چنین نقض‌هایی را نادیده نخواهد گرفت. گروه‌های حقوق بشری فلسطینی، شکواییه‌هایی در خصوص نقض‌های مذکور تقدیم دیوان بین‌المللی کیفری کرده‌اند و اگرچه دادستان کل دیوان در ابتدا اعلام کرد که به دلیل فقدان صلاحیت قادر به رسیدگی به این قضیه نیست، لکن در مرحله بعد، بنا به این ادعا که حکومت خودگردان فلسطین طبق بند (۳) ماده ۱۲ اساسنامه، صلاحیت دیوان را در ۲۲ ژانویه

69. <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/01/2009125143226707260.html> , 25 Jan. 2009

70. www.time.com/time/printout/0,8816,1873496,00.html , 23 Jan. 2009

71. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7846625.stm , 23 Jan. 2009

72. www.time.com/time/printout/0,8816,1873496,00.html , 23 Jan. 2009

۷۳. برای مطالعه بیشتر در زمینه وظیفه دولت‌ها در محو بی‌کیفری، رک.

Inter American Court of Human Rights, Myrna Mack Chang v. Guatemala, Judgment of Nov. 25, 2003, Reasoned Opinion of Judge A.A.Cancado Trindade, para. 13;

اخوان خرازیان، مهناز، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض فاحش حقوق بشر»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۱۹-۱۲۴؛

عدم توجه دولت رژیم اشغالگر به تعهدش در قبال محو بی‌کیفری، نماینده دولت باراک اوباما در سازمان ملل را واداشت که اظهار کند: «واشنگتن از رژیم اشغالگر انتظار دارد که به تعهدات بین‌المللی‌اش برای تحقیق در مورد نقض‌های احتمالی جامعه عمل بپوشاند»؛

www.csmonitor.com/2009/0204/p06s01-wome.html

۲۰۰۹ در مورد وقایع غزه پذیرفته، بررسی و رسیدگی به قضیه را آغاز کرد. بخشی از استدلال فلسطینی‌ها مبتنی بر آن است که بنا بر ادعای خود رژیم اشغالگر، این دولت طبق حقوق بین‌الملل از سال ۲۰۰۶ به بعد مسئولیتی در قبال غزه نداشته، چرا که نیروهایش را از آن خارج کرده است.^{۷۴}

در عین حال که دولت بودن حکومت خودگردان فلسطین مسئله‌ای است که بحث جداگانه‌ای می‌طلبد و در این مقاله نمی‌توان به آن پرداخت،^{۷۵} باید گفت شناسایی صلاحیت دیوان در عین حال می‌تواند به معنای شناسایی ضمنی دولت فلسطین تلقی شود و بر همین اساس باید دید آیا دیوان در بررسی این قضیه می‌تواند فارغ از فشارهای سیاسی احتمالی تصمیم‌گیری کند یا خیر. به‌علاوه باید در نظر داشت که اختلافات شدید بین حماس و حکومت خودگردان عملاً اعمال حاکمیت حکومت خودگردان، بر نوار غزه را با تردید مواجه می‌سازد.

مسلم است که شورای امنیت به اقدامی نظیر آنچه در سال ۲۰۰۵ در خصوص دارفور سودان و توسل به بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای ارجاع قضیه به دیوان انجام داد،^{۷۶} دست نخواهد زد و بند «ب» ماده ۱۳ در مورد جنایات جنگی احتمالی در نوار غزه در مدت زمان مورد نظر بلااستفاده خواهد ماند و با وجود پیشنهادهایی در خصوص تشکیل یک دیوان بین‌المللی موقت برای محاکمه عاملان جنایت جنگی در نوار غزه، توسط مجمع عمومی براساس ماده ۲۲ منشور ملل متحد، چنین امکانی نیز بسیار دور از واقع به نظر می‌رسد. بدین ترتیب برای مبارزه با بی‌کیفری و اجرای عدالت، تنها دو راه حل باقی خواهد ماند: دیوان بین‌المللی کیفری، و محاکم داخلی دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی.

ساحل عاج اولین عضو غیردولتی است که صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را در مورد جنایات ارتكابی در سرزمین خود پذیرفته است: در سال ۲۰۰۵ ساحل عاج با صدور اعلامیه‌ای صلاحیت دیوان را در مورد جنایات ارتكابی از ۲۰۰۲ در سرزمین خود پذیرفت. در خصوص حکومت خودگردان فلسطین باید گفت از آنجا که این واحد سیاسی در سطح بین‌المللی به‌عنوان دولت شناسایی نشده، دیوان با وضعیت پیچیده‌ای روبه‌رو است: اگر صلاحیت خود را احراز نکند بدین معنا است که فلسطینی‌ها را در خلأ حقوقی قرار داده و آن آرمان «دوباره هرگز» به

74. www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east , 2 Feb. 2009

75. برای مطالعه بیشتر، رک.

Francis A. Boyle, The Creation of the State of Palestine, <http://207.57.19.226/journal/Vol11/No1/art20.html>; James Crawford, The Creation of the State of Palestine: Too Much Too Soon?, <http://207.57.19.226/journal/Vol11/No1/art21.html>

76. برای بررسی بیشتر رک. زمانی، سیدقاسم، «شورای امنیت و ارجاع وضعیت «دارفور» (سودان) به دیوان بین‌المللی کیفری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۳، ش. ۶ ص ۹۰-۶۱.

دست فراموشی سپرده شده است؛ و چنانچه صلاحیت خود را بپذیرد، می‌تواند به معنای آن باشد که حکومت خودگردان فلسطین را به‌عنوان یک دولت شناسایی کرده و پذیرفته است و این امر ناخودآگاه به بعد سیاسی قضیه دامن خواهد زد.

راه‌حل دوم، اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم داخلی است که عمدتاً از محاکم ملی دول اروپایی انتظار می‌رود. هرچند که ساز و کار نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو، اعمال صلاحیت جهانی را در خصوص این نقض‌ها الزام‌آور ساخته است، لکن دولت‌ها تمایلی ندارند که به این الزام جامه عمل بپوشانند.

در گذشته قضایایی علیه اتباع رژیم اشغالگر در انگلستان و بلژیک مطرح شده، لکن هیچ‌کدام به محاکمه نینجامیده است.^{۷۷} در حال حاضر نیز یک قاضی اسپانیایی قراری صادر کرده و پرونده‌ای را برای بررسی جنایات علیه بشریت در غزه در سال ۲۰۰۲ گشوده است. این پرونده مربوط به اتهام ارتکاب جنایات علیه بشریت، علیه هفت نفر از مقامات ارشد ارتش رژیم اشغالگر است که متهم هستند در بمباران ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۲ غزه که ۱۵ کشته بر جای گذاشت، دخالت داشته یا به‌نحوی درگیر بوده‌اند.^{۷۸} همچنین براساس قانون جدید جنایات جنگی نروژ، مصوب هفتم مارس ۲۰۰۸ گروهی از وکلای نروژی دعوی علیه نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه سابق رژیم اشغالگر و وزیر دفاع و هفت تن از مقامات ارشد دولتی که دستور انجام حملات گسترده به غیرنظامیان را صادر یا آن را تأیید کرده بودند، مطرح کردند.^{۷۹} در ایران نیز اقداماتی جهت رسیدگی قضایی به جنایات ارتكابی در درگیری اخیر غزه صورت گرفته که از آن میان می‌توان به تهیه کیفرخواستی علیه رژیم صهیونیستی و ارسال آن به مجامع بین‌المللی، از جمله مجمع

77. www.csmonito.com/2009/0204/p06s01-wome.html , 4 Feb. 2009

78. در پاسخ به صدور این قرار، وزیر دفاع رژیم اشغالگر طی اظهاراتی اعلام کرد که قصد دارد برای توقف این پرونده همه اقدامات ممکن را انجام دهد و افزود: «هر کس محو یک تروریست را جنایت علیه بشریت بداند در جهانی واژگونه زندگی می‌کند». وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر نیز در گفتگو با همتای اسپانیایی خود گفت: رژیم اشغالگر به‌شدت با این تصمیم برخورد می‌کند. فشار سیاسی این رژیم به‌نحوی بوده که دولت اسپانیا تصمیم به اصلاح قانون صلاحیت جهانی خود گرفته است. پس از بلژیک، این اقدام دولت اسپانیا گامی دیگر در جهت تضعیف نظام عدالت بین‌الملل و اشاعه بی‌کیفری است. رک. <http://english.aljazeera.net/news/europe/2009/01/200913063121252546.html>. 30 Jan. 2009; www.haaret.com/hasen/spages/109964.htm; <http://interkulti.eu/Junglelaw/index.php/home/gaza-a/international-law/29-reports-conflict-spain-considering-limits-on-universal-jurisdiction-> ; در عین حال دادستان اسپانیا از قاضی مذکور خواسته رسیدگی به پرونده مذکور را متوقف سازد؛ چرا که طی اطلاعات رسیده، مراجع قضایی رژیم اشغالگر نسبت به این جنایات رسیدگی کرده‌اند. رک.

www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=825497

79. www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5jP6GpgCGa1yMN00Qox22GMvC847g21

Apr.2009 ; Katherine Iliopoulos, Israel Defends Troop Conduct in Gaza : Snubs UN Inquiry, 28 Apr. 2009, <http://www.crimesofwar.org/onnews/news-gaza6.html>

عمومی سازمان ملل و دیوان بین‌المللی کیفری و تشکیل اجلاس دادستان‌های کشورهای اسلامی برای رسیدگی به جنایات مذکور اشاره کرد.^{۸۰} جالب است بدانیم که این رژیم خود از اولین کشورهایی است که در محاکمه آدولف آیشمن که متهم به ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در خلال جنگ جهانی دوم بود به اصل صلاحیت جهانی متوسل شد.

۵. مسئولیت دیگر اعضای جامعه بین‌المللی در قبال نقض‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در نوار غزه

«زیاده‌روی کرده‌ایم اگر انتظار داشته باشیم هر دولتی از طرف هر موجود انسانی که حقوق عرفی یا معاهده‌ای او در یک کشور دیگر نقض شده، دست به اقدام بزند. اما اصولاً هر دولتی حداقل در مورد نقض فاحش حقوق بشر، مسئول وضعیت تک تک موجودات بشری در دیگر کشورها است».^{۸۱}

رژیم اشغالگر به‌عنوان عضو کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، به دلیل محاصره طولانی‌مدت نوار غزه و انجام عملیات نظامی سه هفته‌ای که در وهله اول اصل تناسب و در مرحله بعد، دیگر اصول اساسی و قواعد بنیادین حقوق بشر دوستانه را به‌طور جدی نقض کرده و نیز به دلیل اشاعه بی‌کیفری و تلاش نظام‌مند جهت ممانعت از اجرای عدالت و اعمال مسئولیت کیفری فردی، «مسئولیت بین‌المللی» دارد و بر عهده جامعه بین‌المللی است که با اقدامات خود رعایت قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل را تضمین کرده، آثار ناشی از مسئولیت بین‌المللی رژیم اشغالگر را به مرحله اجرا بگذارد. این وظیفه‌ای است که طبق ماده ۱ مشترک در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (و ماده ۸۹ پروتکل اول الحاقی) و نیز ماده ۴۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال خلاف بین‌المللی (۲۰۰۱)، شامل متوقف ساختن نقض، عدم شناسایی وضعیت حاصل از نقض و عدم کمک و معاضدت به استقرار آن است.^{۸۲}

۸۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۲/۲، <http://www.jomhourieslami.com/1388/13880202/index.html>

سرویس فقه و حقوق ایسنا، ۱۳۸۸/۲/۲، قابل دسترس در: www.isna.com
81. Henkin Louis, "Inter-State Responsibility for Compliance with Human Rights Obligations", in L.C. Vohra et al. (eds.), *Man's Inhumanity to Man, Essays on Int'l Law in Honor of Antonio Cassese*, 203, p. 395.

82. Fourth Geneva Conventions, 1949, *Supra*, Common Art. 1; Additional Protocol I, 1977, *Supra*, Art. 89; Text of the Draft Articles, 2001, Arts. 41 & 48.

لازم به ذکر است آثار مذکور جزء حقوق بین‌الملل عرفی است. رک. رنجبریان، امیرحسین، «پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۷، دوره ۳۸، ش ۱، ص ۲۱۱-۲۱۵؛ اخوان خرازیان، مهناز، همان، ص. ۱۰۹؛ همچنین رک.

Commentary to the Draft Articles, *Supra*, pp. 250-252; ICJ Reports, 2004, paras. 155-159.

جامعه بین‌المللی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اهرم‌های قدرتی را به برخی اعضای خود اعطا کرده و امکاناتی را در اختیار آنها گذاشته و بر این اساس، انتظارات بیشتری نیز از این دسته دولت‌ها دارد. به‌عنوان مثال، تأثیرگذاری اعضای دائم شورای امنیت بر حل و فصل بحران‌های بین‌المللی به‌دلیل موقعیتی است که این دولت‌ها در شورا از آن برخوردارند و می‌توانند تأثیرات یک‌جانبه‌ای بر عملکرد و تصمیم‌گیری‌های نهاد مذکور بگذارند. در نتیجه، بار مسئولیت این دولت‌ها در خصوص بحران‌های بین‌المللی و ضمانت اجرای قواعد حقوق بین‌الملل با مسئولیت دیگر دولت‌ها نظیر برزیل، آرژانتین، قطر یا بوركینافاسو یکسان نیست؛ همان‌طور که در تشکیل قواعد فوق‌الذکر نیز نقش رویه و اعتقاد این دولت‌ها چشم‌گیر و تعیین‌کننده است.

به‌عنوان مثال، گزارشگر ویژه ملل متحد برای سرزمین‌های اشغالی در جریان درگیری اظهار داشت ایالات متحده و دیگر شرکت‌کنندگان کنفرانس آنابولیس برای به جریان انداختن مجدد برنامه صلح خاورمیانه و توقف عملیات نظامی رژیم اشغالگر در نوار غزه و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل و نیز حمایت از غیرنظامیان، تعهدی اخلاقی و حقوقی دارند. عمرو موسی، رئیس اتحادیه عرب نیز در جریان درگیری مذکور از اعضای نشست چهارجانبه (ملل متحد، اتحادیه اروپا، روسیه، ایالات متحده) خواست تا برای توقف حملات رژیم اشغالگر به نوار غزه و رعایت حقوق بشردوستانه توسط دولت مذکور اعمال فشار کنند.^{۸۳} در همین راستا شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۹ از جامعه بین‌المللی خواست برای پایان دادن به عملیات این رژیم در غزه و نقض‌های فاحش ارتكابی دست به اقدامات فوری بزند.^{۸۴} با این حال، مهم‌ترین نهاد جامعه بین‌المللی به دلیل تهدید وتوی مهم‌ترین عضو دائمی خود از ایفای نقشی که از آن انتظار می‌رفت، بازماند.

در فاصله سپتامبر ۱۹۷۲ تا دسامبر ۲۰۰۸ ایالات متحده ۴۵ بار قطعنامه‌های مربوط به «وضعیت در خاورمیانه و مسئله فلسطین» را وتو کرده است. در هر مورد، ایالات متحده تنها دولتی بود که از حق وتو استفاده کرده است.^{۸۵} مادلین آلبرایت در زمان تصدی وزارت امور خارجه ایالات متحده با عباراتی روشن این سیاست را این‌گونه به تصویر کشیده است: «ایالات متحده در زمان لزوم، چندجانبه‌گرایی و حفظ ارزش‌های بین‌المللی را به نفع یک‌جانبه‌گرایی رها

83. www.arabnews.com/services , 20 Jan. 2009

84. A/HRC/S-9/L.1, 12 Jan. 2009.

85. <http://domino.un.org/UN/SPAL.NSF> ; www.krystal.com/democracy_whyusa03.html

ایجاد مانع در فرآیند ارجاع قضیه درگیری در نوار غزه و نقض‌های فاحش ارتكابی در خلال آن، از سوی شورای امنیت به دیوان بین‌المللی کیفری، طبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه این دیوان، از نتایج این رویه ایالات متحده تلقی می‌شود که برای ایالات متحده می‌تواند مسئولیت بین‌المللی به همراه داشته باشد؛ چرا که به نوعی کمک به «اشاعه بی‌کیفری» به حساب می‌آید. این در حالی است که وضعیت درگیری در غزه به نسبت وضعیت دارفور، اولویت‌های بیشتری برای رجوع به بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه را مطرح می‌کرد.

می‌کند».^{۸۶} بدین ترتیب، ایالات متحده با توسل به حق وتو، نه تنها تعهد به همکاری در توقف نقض را نادیده گرفته، بلکه به تعهد به عدم شناسایی و عدم کمک و معاضدت نیز بی‌اعتنا بوده است. مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ چنین سیاست‌هایی را که با سوءاستفاده از حق وتو و کمک‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی، اجرای حقوق خدشه‌ناپذیر مردم فلسطین را با شکست مواجه کرده و رژیم اشغالگر را قادر به ادامه اشغال و عدم تمایل به انجام تعهداتش براساس منشور ملل متحد و قطعنامه‌های صادر از ارکان آن می‌کند محکوم ساخته است.^{۸۷} بیان حقوقی این موضع‌گیری، رأی مشورتی دیوار حائل است که طی آن دیوان بین‌المللی دادگستری «تعهدات» دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی را در قبال سیاست‌های رژیم اشغالگر که منجر به نقض فاحش تعهدات عام‌الشمول می‌شود، بیان کرده است.^{۸۸}

در کنار توسل به حق وتو، اظهارات مقامات ارشد و رؤسای جمهور ایالات متحده و دول عضو اتحادیه اروپا در جریان بحران غزه نیز نشان می‌دهد مواضع ایالات متحده و اتحادیه اروپا در راستای نقض تعهد به توقف نقض‌های فاحش و تعهد به عدم شناسایی وضعیت حاصل بوده است. دولت بوش و اوپاما و نیز دولت‌های عضو اتحادیه اروپا اگرچه وضعیت حاصل از درگیری در غزه را ناگوار توصیف کرده‌اند، لکن اقدامات رژیم اشغالگر را نوعی دفاع از خود در برابر حملات موشکی حماس دانسته، حماس را مسئول این بحران انسانی اعلام کرده‌اند. بوش در سخنانی از «خواست این رژیم برای حمایت از خود» پشتیبانی کرده و عملیات نظامی رژیم مزبور را نوعی دفاع از خود در برابر حماس دانست.^{۸۹}

به‌علاوه، هیچ‌یک از این دولت‌ها اقدامی در راستای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه توسط رژیم اشغالگر طبق ماده ۱ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ از جمله اقدامات متقابل غیر از توسل به زور، تحریم اقتصادی، شرم‌ده‌سازی، یا اقدامات دیگری که در حقوق بین‌الملل ذیل این تعهد، شناسایی یا به آن اشاره شده، اتخاذ نکردند.^{۹۰} حتی در اظهارات نمایندگان این دولت‌ها در شورای امنیت و نیز نمایندگان سایر کشورهای صنعتی نظیر ژاپن، کانادا یا استرالیا، برخلاف اظهارات نمایندگان دیگر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی، به نقض حقوق بشردوستانه در نوار غزه توسط نیروی نظامی رژیم اشغالگر اشاره‌ای نشده، درحالی‌که

86. www.krystal.com/democracy_whyusa03.html

87. A/Res/ES-7/4, 28 Apr. 1982.

88. ICJ Reports, 2004, paras. 155-159.

89. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7851545.stm, 26 Jan. 2009; www.haaretz.com/hasen/spages/1052886.htm

90. Marco Sassoli, State Responsibility for Violations of International Humanitarian Law, 84 ICRC, no.846, 2002, pp. 421-430.

حملات راکتی منتسب به حماس و «اقدامات نظامی این رژیم» همواره در کنار هم و به همان شدت ذکر شده است.^{۹۱} خبرنگار شبکه بی بی سی در واشنگتن در خصوص گفته‌های خانم رایس، وزیر امور خارجه رئیس جمهور بوش، که اظهار داشت ایالات متحده خواستار آتش‌بس پایدار و بادوامی است که مانع از پرتاب موشک از سوی حماس به سمت رژیم اشغالگر شود، می‌گوید: «اینجا در واشنگتن اتفاق نظر گسترده‌ای وجود دارد، مبنی بر اینکه این موضع‌گیری، بیان ضمنی پشتیبانی واشنگتن از رژیم اشغالگر برای ادامه عملیات نظامی است و تلاش برای تضعیف حماس در حد ممکن تفسیر می‌شود».^{۹۲}

بدین ترتیب، هفت سال پس از طرح این پرسش از سوی فعالان حقوق بشردوستانه،^{۹۳} جامعه بین‌المللی همچنان در یافتن پاسخی برای آن سردرگم است که «آیا دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی با مسدود کردن و متوقف کردن فعالیت سازمان‌هایی که عضویت آن را پذیرفته‌اند، تعهدات خود طبق ماده ۱ مشترک [در کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹]، ماده ۸۹ پروتکل اول الحاقی، و ماده (۱) ۴۱ طرح «مسئولیت دولت‌ها برای اعمال خلاف بین‌المللی» را نقض نکرده‌اند؟ باید به‌خاطر داشت که مسئله مسئولیت دولت‌ها به‌دلیل ممانعت از تحقق وظایف سازمان‌هایی که عضویت آن را دارند، جدا از مسئولیت خود سازمان‌های مذکور است. طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و این مسئولیت طبق ماده مذکور از آنجا به این نهاد واگذار شده که بتواند از طرف ملل متحد و اعضای آن دست به اقدام «سریع» و «موثر» بزند.^{۹۴} به‌علاوه بند ۲ ماده ۲۴ مقرر می‌دارد که شورای امنیت در اجرای وظایف برخاسته از مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، باید طبق اصول و اهداف ملل متحد عمل کند که از جمله این مقاصد و اصول، حصول همکاری بین‌المللی در حل آن دسته مسائل بین‌المللی است که دارای جنبه بشردوستانه هستند.^{۹۵} ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز از دیگر مقاصد ملل

91. Security Council, SG/9565, 6061 mtg, 7 Jan. 2009, *Supra*.

مسئلاً قطع روابط موریتانی، قطر، ونزوئلا یا بولیوی نمی‌تواند تأثیر بازدارنده‌ای بر عملکرد رژیم اشغالگر داشته باشد، درحالی‌که چنین واکنشی یا حتی تهدید به آن از سوی اتحادیه اروپا یا ایالات متحده قطعاً تأثیر قابل توجهی بر رفتار این کشور خواهد داشت.

92. http://news.bbc.co.uk/go/pr/fr/-/2/hi/middle_east/7808825.stm, 2 Jan. 2009

93. Marco Sassoli, 2002, *Supra*, p. 431.

۹۴. منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل در تهران، ۱۳۸۲، ماده ۲۴(۱).

۹۵. همان، ماده (۳) ۱.

متحد است که باید بدون هرگونه تبعیضی اعمال شود.^{۹۶} بنابراین، شورای امنیت موظف است در وضعیت‌های مختلف، بدون هرگونه تبعیض، تصمیم‌گیری کرده، اقدامات لازم را اتخاذ کند. به‌نظر می‌رسد شورای امنیت این اصل زیربنایی و بنیادین عدم تبعیض را نادیده گرفته و در وضعیت‌های مختلفی که جمعیت غیرنظامی عامدانه و آگاهانه مورد حمله قرار گرفته‌اند و یا دیگر اصول اساسی حقوق بشردوستانه به‌طور جدی نقض شده، مواضع متفاوتی اتخاذ کرده است؛^{۹۷} درحالی‌که قطعنامه ۱۶۷۴ مصوب شورا در خصوص حمایت از غیرنظامیان در وضعیت‌های درگیری مسلحانه، صراحتاً اعلام می‌کند که هدف قرار دادن عامدانه غیرنظامیان و دیگر اشخاص تحت حمایت در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه می‌تواند تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود. در این قطعنامه آمده که صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر، ستون‌های نظام ملل متحد و امنیت دسته جمعی است و این عناصر به یکدیگر پیوند خورده، متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند.^{۹۸}

تنها قطعنامه شورای امنیت که در بحبوحه درگیری در نوار غزه صادر شد وضعیت را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار نیاورد و بنابراین به فصل هفت منشور استناد نمود.^{۹۹} به‌علاوه، شورا از دیگر روش‌ها و ابزارهایی که برای اقدام «سریع» و «مؤثر» طبق بند ۱ ماده ۲۴ منشور برای انجام وظایفش در اختیار داشت نیز استفاده نکرد که از جمله این اقدامات می‌توان به ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی طبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان اشاره کرد که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. درحالی‌که دبیرکل ملل متحد، شورای حقوق بشر و حتی کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد، و نیز سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی دیگر خواستار انجام تحقیقاتی در خصوص جنایات جنگی احتمالی در درگیری سه هفته‌ای در غزه

۹۶. همان.

۹۷. از آن جمله است قطعنامه ۱۵۹۱ در مورد سودان و قطعنامه‌های ۱۱۹۹، ۱۲۰۳ و ۱۲۴۴ در مورد کوزوو که همه این قطعنامه‌ها وضعیت را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی خوانده و در آنها به فصل هفت منشور استناد شده است:

S/Res/1591, 29 Mar. 2005; S/Res/1199, 23 Sep. 1998;

S/Res/1203, 24 Oct. 1998; S/Res/1244, 10 June 1999.

98. S/Res/1674, 28 Apr. 2006.

99. S/Res/1860, 8 Jan. 2009;

نمایندگان دولت‌های مالزی، پاکستان، کوبا، برزیل، آرژانتین، نیکاراگوئه، اکوادور و بولیوی در اظهاراتشان در شورای امنیت از بی‌تحرکی این نهاد انتقاد کرده، آن را ضربه بزرگی برای اعتبار آن دانستند:

Security Council, SG/9565, 6061 mtg, 7 Jan. 2009;

همچنین رک. اظهارات رئیس مجمع عمومی در خصوص موضع انفعالی شورا در مورد غزه. وی در اظهاراتش گفته که چنین انفعالی جهان را از ملل متحد مأیوس کرده، آرمان صلح را با شکست مواجه خواهد کرد:

UN News Services, 8 Jan. 2009, available on www.un.org/news

شدند،^{۱۰۰} شورای امنیت نه تنها در خصوص امکان انجام هرگونه تحقیق در این خصوص یا تضمین مسئولیت کیفری فردی ساکت مانده، بلکه رویه معمول خود را که نیز درخواست گزارشی از دبیرکل در باب وضعیت یا چگونگی اجرای مفاد قطعنامه توسط اطراف درگیر است به بوته فراموشی سپرده است.^{۱۰۱} تأسف بارتر از همه آنکه در قطعنامه ۱۸۶۰ شورا کوچک‌ترین اشاره‌ای به نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا یادآوری الزام طرفین درگیر به رعایت آن یا الزام رژیم اشغالگر به رعایت حقوق اشغال نشده است. قطعنامه مذکور تنها خواستار آتش‌بس پایدار در غزه می‌شود، به نحوی که رژیم اشغالگر به‌طور کامل از غزه عقب‌نشینی کرده، امکان دسترسی نامحدود غیرنظامیان به غذا، سوخت و تجهیزات پزشکی فراهم گردد و ترتیبات بین‌المللی برای جلوگیری از قاچاق اسلحه و مهمات تشدید شود.^{۱۰۲} این در حالی است که قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت صراحتاً مقرر می‌دارد که پایان دادن به بی‌کیفری برای پیشگیری از ارتکاب نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در آینده از اهمیتی اساسی برخوردار است. در قطعنامه اخیر، بر مسئولیت دولت‌ها در رعایت تعهدات برخاسته از ممنوعیت بی‌کیفری و محاکمه افراد مسئول برای ارتکاب جنایات جنگی و نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه تأکید شده است. به‌علاوه، دیوان به نقش محاکم بین‌المللی موقت و محاکم مختلط و کمیسیون‌های سازش که معمولاً تنها توسط خود شورای امنیت امکان تشکیل آن وجود دارد، اشاره کرده است.^{۱۰۳}

ترویج و تشویق رعایت حقوق بشر و بشردوستانه در اسناد دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز به‌عنوان اصول و اهداف یا خط‌مشی‌های اساسی آنها ذکر شده است. از جمله سند شماره «۲۰۰۵/C۳۳۷/۰۴» اتحادیه اروپا، این نهاد را موظف کرده برای تضمین رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از خط‌مشی‌های این اتحادیه استفاده مؤثر بکند. به عبارت دیگر، برقراری ارتباطات اقتصادی و تجاری با کشورهای شریک اتحادیه اروپا مستلزم اعمال پیش‌شرط‌هایی در خصوص رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.

100. UN High Commissioner Statement in Special Session of Human Rights Council, 9 Jan. 2009; A/HRC/S-9/L.1, 12 Jan. 2009; <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2009/01/2009129232237121901.html>, 30 Jan. 2009; <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/news/un-urged-extend-gaza-investigation-20090213>; www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article5792182.ece; www.ngo-monitor.org/article/the_ngo_front_in_the_gaza_war_human_rights_watch ۱۰۱. به‌عنوان مثال در همه قطعنامه‌های زیر شورا از دبیرکل، تدوین گزارش در خصوص چگونگی اجرای قطعنامه را درخواست کرده است:

S/Res/1199, 1998, para. 15; S/Res/1203, 1998, para. 16; S/Res/1244, 1999, para. 20; S/Res/1627, 2005, para. 2; S/Res/1625, 2005, para. 3a; S/Res/1547, 2004, para. 7.

102. S/Res/1860, 8 Jan. 2009.

103. S/Res/1674, 2006, paras. 7 & 8.

از زمان انعقاد اولین برنامه کاری رژیم اشغالگر - اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی نوار غزه و کرانه غربی رو به وخامت گذاشته است. برنامه کاری مذکور بخشی را تحت عنوان «ارزش‌های مشترک» به خود اختصاص داده، لکن ارزش و کارآمدی این بخش (که به نسبت برنامه‌های کاری مشابه با دیگر کشورهای مدیترانه‌ای بخشی کوچک با عباراتی کلی تلقی می‌شود و هیچ بندی را به اقدامات خاص و عملی اختصاص نداده)، به دلیل وقایع دو سال اخیر نوار غزه زیر سؤال رفته است.^{۱۰۴}

درحالی‌که فرایند تجدید و تعمیق روابط اتحادیه اروپا و رژیم اشغالگر قبل از آغاز درگیری در نوار غزه به جریان افتاده بود، هیچ تلاشی برای استفاده از این شرایط و ارزش‌های فوق‌الذکر جهت تحت فشار قرار دادن این رژیم به منظور رعایت حقوق بشردوستانه و توقف نقض قواعد آن صورت نگرفت. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و حتی جمعی از شهروندان رژیم مزبور از اتحادیه اروپا و اعضای آن درخواست کردند که با استفاده مؤثر از خط‌مشی‌های اتحادیه اروپا برای ترویج رعایت حقوق بشردوستانه از هر اقدامی از جمله تحریم یا توقف فرایند تجدید روابط با رژیم اشغالگر برای تحت فشار گذاشتن آن رژیم و توقف نقض‌های حقوق بشردوستانه استفاده کنند.^{۱۰۵} این در حالی است که کمیسیون اروپایی در تنها بیانیه خود در خصوص درگیری در نوار غزه فقط بر اجرای قطعنامه شورای امنیت تأکید ورزید و از رژیم اشغالگر خواست حرکت آزادانه و امن کاروان‌های آژانس کمک‌رسانی به پناهندگان فلسطینی در شرق نزدیک (UNRWA) را تضمین کند.^{۱۰۶} در مذاکرات مربوط به تصویب قطعنامه ۱۸۶۰ شورای امنیت نیز دولت چک که به نمایندگی از طرف اتحادیه اروپا سخن می‌گفت هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقض‌های جدی و وسیع حقوق بشردوستانه توسط رژیم اشغالگر نکرد.^{۱۰۷}

عدم اتخاذ موضع علیه نقض حقوق بشردوستانه در غزه از سوی اتحادیه اروپا، پیوند اصول اروپایی با رعایت و ترویج حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را زیر سؤال می‌برد. عملکرد اتحادیه اروپا در جریان بحران اخیر غزه نشان داد این نهاد حتی قادر به رعایت برخی از بنیادی‌ترین

104. www.euromedrights.net , 10 Dec. 2008;

برای بررسی برنامه کاری اتحادیه اروپا- رژیم اشغالگر، رک.

www.euromedrights.net/usr/00000026/00000027/00000028/00001345.pdf

105. www.aieu.be/static/B842-Gaza.pdf, 6 Jan. 2009; www.euromedrights.net/pages/560/news/focus/68587, 9 Jan. 2009; [www.cidse.org/uploadedFiles/Regions/Israel_-_palestine/CIDSE-APRODEV %20letter%20on%20Gaza.pdf](http://www.cidse.org/uploadedFiles/Regions/Israel_-_palestine/CIDSE-APRODEV%20letter%20on%20Gaza.pdf), 23 Jan. 2009; www.bricup.org.uk/documents/Gaza/IsraeliCallForSanctions.pdf , 5 Jan. 2009

106. <http://europa.eu/rapid/pressReleaseAction.do?reference=I/09/37&format=HTML&aged=O&Language=EN&guiLanguage=en> , 9 Jan. 2009

107. Security Council, SG/9565, 6061 mtg, 7 Jan. 2009, *Supra*.

اصول جهانی حقوق بشر، از جمله عدم تبعیض نیست. با توجه به اهمیت و جایگاهی که اتحادیه اروپا در معادلات بین‌المللی کسب کرده، انفعال این نهاد در مغایرت با خط‌مشی‌های اساسی آن می‌تواند مسئولیت بین‌المللی برای آن به همراه داشته باشد.

چند سال پیش یک دانشجوی ایرانی رشته زبان و ادبیات فرانسه در موضوع «خانه خود را توصیف کنید»، انشایی یک جمله‌ای نوشت و بهترین نمره را از آن خود کرد: «ما در خانه‌مان خدمتکار نداریم، چون یک با یک برابر است».

نسل‌کشی و آنچه در جریان جنگ جهانی دوم روی داد، لکه سیاهی بر کارنامه بشریت است که تیرگی آن بر وجدان نسل‌های آینده نیز سنگینی خواهد کرد. با این حال، ناکامی جامعه بین‌المللی در محو تبعیض و مبارزه با وضعیت‌های مشابه، با وجود همه تلاش‌هایی که در نیم قرن گذشته انجام شده، آن سیاهی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بحران غزه محکی دیگر بود بر ادعاهای جامعه بین‌المللی در ترویج رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و مبارزه با بی‌کفتری و محو آن. برای قضاوت در این مورد که آیا جامعه بین‌المللی این آزمون را با سربلندی پشت سر خواهد گذاشت و یا در اعمال آن ارزش‌های بنیادینی که سال‌ها برای اعتلای آن تلاش می‌کند، فارغ از «هرگونه تبعیض» عمل خواهد کرد یا خیر، فرصت اندکی باقی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی